

## بررسی نقش مایه‌های ظرف سفالین لوله‌دار موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران

دکتر حسین علیزاده، رقیه خلیل‌زاده احمدی

استادیار باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه و کارشناس موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران

r.khalilzadeh\_ir@yahoo.com

تاریخ دریافت ۹۴/۳/۱۸ تاریخ پذیرش ۹۴/۵/۱۵

## چکیده

ظروف سفالین در زندگی انسان دیروز و امروز کاربردهای مختلف داشته است لذا ارتباط بین فرم، شکل و نقشمایه‌هایی که زینت‌بخش آنهاست، با توجه به موقعیت زمانی و مکانی تولید سفال می‌تواند بیانگر افکار و عقاید مردم آن دوران نیز باشد. بر این اساس در مقاله حاضر با مطالعه یکی از ظروف سفالین لوله‌دار موزه آبگینه، به پیشینه ساخت این نوع ظروف، تنوع فرم، انواع نقوش آنها توجه شده و در پایان، نتیجه تحلیلی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: سفال، آبریز، نمادگرایی، بز کوهی، لوتوس

## مقدمه

نوع و بررسی نقشمایه‌های موجود در آن، گامی کوتاه در معرفی این اثر مهجور برداشته شود.

## تاریخچه ظروف لوله‌دار

ساخت و استفاده از سفال در عصر نوسنگی در ایران پدیدار گشت و از هزاره‌ی پنجم و چهارم پیش از میلاد نقوش آن مورد توجه قرار گرفت. اولین نشانه‌های استفاده از لوله در ظروف سفالین در ایران مربوط به هزاره‌ی ششم و پنجم قبل از میلاد از تپه‌ی اهرنجان آذربایجان و تپه‌ی سیلک هزاره‌ی چهارم ق.م (Ghirishman, 1938; Vol. II) و تپه‌ی یحیی IVB, V می باشد. در هزاره‌ی سوم ق.م استفاده از ظروف لوله‌دار گسترش زیادی پیدا کرد ولی بعد از آن بطور ناگهانی در اوایل هزاره‌ی دوم ق.م (۱۸۰۰ ق.م) منسوخ و بعد از گذشت ۳۰۰ سال دوباره رواج پیدا کرد. تفاوت‌های عمده‌ای در طرز قرار گرفتن لوله و نوع آن ایجاد گردید که این تغییر باعث بوجود آمدن تئوری و فرضیه‌های جدید پیرامون ورود اقوام تازه وارد را بوجود آورد.

مطالعه در محدوده‌ی جغرافیای داخلی و خارجی ایران و همچنین مسیر مهاجرت این اقوام تا به امروز پاسخ‌های نسبی را در راستای تأثیر و تأثر فرهنگ‌های همجوار و سابقه دیرین این سبک از سفال‌ها ارائه داده است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ظروف لوله‌دار در منطقه قفقاز قبل از اوایل هزاره‌ی اول ق.م شناخته شده نیست و ظهور آن در این دوران می‌تواند متأثر از ایرانیان، در ارتباط با گسترش استفاده آن باشد.

۲- در آسیای مرکزی (جمهوری ترکمنستان) استفاده از ظروف لوله‌دار با لوله‌های استوانه‌ای شکل

سفال از جمله یافته‌های ارزشمند در هر پژوهش باستان‌شناسی است که بررسی و مطالعه‌ی موردی اجزای آن می‌تواند ما را با بخشی از هنر، تکنیک و باورهای رایج دوران گذشته آشنا کرده و با کمک سایر داده‌ها بخشی از زندگی گذشته بشر را بازسازی نماید.

بیشتر دستاوردهای بشری نتیجه دقت، بررسی و الهام‌گیری از طبیعت پیرامونی اوست. انسان اولیه برای بقای خود همواره از پوست و گوشت حیوانات استفاده می‌کرده که تأثیر تفکرات پیرامون شکار وی را می‌توان در قالب تصاویری در محل زندگی (غارها) مشاهده کرد. غارهایی که پس از سرازیر شدن انسان به دشتها به پرستشگاه تبدیل گردید. با پیدایش سفال از دوران نوسنگی، جوامع یکجانشین فلات ایران نقاشی‌های زمخت فضای صخره‌ها و کوه‌ها را بر روی سطح صاف سفالینه‌ها که کاربردی روزمره داشتند، منتقل کرد. از آن پس در هر دوره با توجه به اقتضای زمانی و مکانی، اثرات زندگی خود را به عناوین مختلف بر روی آثار بر جای گذارد. از میان آثار فراوان و در خور توجه و مطالعات مختلف صورت گرفته بر روی آنها، آبریزهای سفالین بدست آمده از قبور هزاره‌های دوم و اول قبل از میلاد قابل تامل است.

با توجه به اینکه مطالعات بسیاری در زمینه پیشینه ظروف سفالین لوله‌دار و محل کشف آنها صورت گرفته لیکن نگارنده در نظر دارد در این مقاله با رویکردی نو، به بررسی گونه‌ای متفاوت از ظروف لوله‌دار که در موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران به نمایش گذاشته شده است، پردازد. همچنین سعی شده است تا با اشاره به پیشینه سفالینه‌هایی از این

خوروین، حسنلو (V)، دینخواه تپه، یانیق تپه، کردلر تپه، گوی تپه، تپه گیان و تپه هفتوان می‌باشد. طبق این طبقه‌بندی، در بین سفال‌های عصر آهن II سفالینه‌های لعاب‌دار به رنگ زرد، سبز یا آبی با درصد بسیار ناچیزی از مجموعه سفال‌ها دیده شده است که ظاهراً این وضعیت نشان‌دهنده‌ی مرحله آغازین استفاده از این نوع سفال می‌باشد که سفال مورد بحث نیز جزو این مقوله می‌باشد.

این سبک از سفال‌ها به لحاظ فنی در دو گروه دست‌ساز و چرخ‌ساز قرار می‌گیرند که با توجه به بررسی‌های باستان‌شناختی موجود، بخش شرقی و غربی دریاچه ارومیه، جلگه اردبیل، اطراف رودخانه قزل اوزن سفید رود، مناطق اسد آباد، کنگاور، دره‌های نهاوند، بروجرد و جلگه همدان، وجود این نوع سفال‌ها را به اثبات می‌رساند.

مدارک استقرارهای دوره آهن II در منطقه اردبیل نشان می‌دهد که در این ناحیه سفال‌ها تنوع بسیاری داشته‌اند که قابل مقایسه با مناطق همجوار نیستند. بنابراین ظاهراً در این دوره هر استقرار سفال‌های مشخص خود را داشته است. سفال مورد بررسی نیز احتمالاً جزء این دسته می‌باشد.

به نظر می‌رسد منطقه‌ای شدن فرهنگ‌های عصر آهن II در ایران به سه عامل بستگی داشته است:

- تأثیر محدود فرهنگ‌های خارجی (آشور، قفقاز و آسیای صغیر)

- تکامل طبیعی فرهنگ عصر آهن II

- فعال شدن فرهنگ‌های بومی

در مطالعه‌ی سفال‌های عصر آهن III نفوذ فرهنگ‌های خارجی بندرت دیده می‌شود؛ فقط در یک مورد سفال‌های نوع آشور جدید (بین‌النهرین) در زیویه پیدا شده است. با در نظر گرفتن این مسئله و

در طی هزاره سوم و دوم ق. م (نمازگاه سوم و چهارم) شناخته شده است. همچنین ظروف لوله‌دار با لوله خمیده (دو قسمتی) در اواخر هزاره دوم ق. م در "سومبار" ترکمنستان دیده شده است.

۳- ظروف با لوله استوانه‌ای از نواحی شمالی افغانستان، محوطه "داشلی" نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم ق. م بدست آمده است.

۴- در سرزمین آناتولی (ترکیه فعلی) استفاده از ظروف با لوله استوانه‌ای از هزاره‌ی سوم تا پایان هزاره‌ی دوم و در بخش مرکزی آناتولی از حدود ۱۹۰۰ ق. م شکل لوله‌ها از استوانه‌ای به لوله‌ی خمیده (دو قسمتی) تغییر یافت و تا اواخر مفرغ ادامه یافت.

نوک لوله‌ها به شکل سر حیوانات (۱۸۰۰-۱۸۵۰ ق. م) از طبقه IB کول تپه به دست آمده است.

۵- در بین‌النهرین استفاده از لوله‌های استوانه‌ای در ظروف سفالین مانند تنگ‌ها، کاسه‌ها و خمره‌ها بدون هیچ تغییری از هزاره چهارم تا هزاره سوم ق. م تداوم داشته است. (طلایی، ۱۳۷۴، صص ۹-۱۵)

با توجه به توضیحات ارائه شده و اینکه سابقه ایران در ساخت این نوع از اشیاء، طولانی‌تر و قدیمی‌تر از سایر نقاط بوده است. بنابراین هنر و تکنیک‌های بوجود آمده را همیشه نمی‌توان وابسته یا الهام از گونه‌ی مشخص یا افراد خاص برشمرد؛ زیرا برخی اتفاقات در دو مکان مجزا با شرایط همسان می‌تواند تغییرات هم‌زمانی را بوجود آورد.

گونه‌های ظروف لوله‌داری که شی مورد مطالعه نیز در آن دسته قرار می‌گیرد، جزء سفال عصر آهن محسوب می‌شوند که طبق دسته‌بندی برخی از باستان‌شناسان به عصر آهن I، II، III معروفند. پراکندگی این نوع از سفال‌ها در تپه‌ی سیلک،

ارتفاع ظرف سفالین کوزه‌ای شکل، ۴۲/۵ سانتی‌متر است. دهانه‌ای گشاد و لبه‌ای به خارج برگشته دارد. قطر دهانه آن ۱۵/۵ سانتی‌متر است. بر روی گردن ظرف، برآمدگی افقی دور تا دور قرار دارد که در امتداد آن اتصالات دسته و لوله به چشم می‌خورد. دسته افقی ظرف از برجستگی روی گردن تا شانه امتداد دارد. هم‌افق با دسته، آبریز دو لوله پل‌دار ظرف قرار دارد؛ بر عکس سایر لوله‌ها که پل آبریز بر روی لبه قرار دارد؛ محل اتصال در این اثر به گردن ظرف و بخش برجسته آن است. فضای خالی بین اتصالات در لوله و دسته، مثلثی‌های نامنظم قرینه‌ای را بوجود آورده که می‌توانند به عنوان دستگیره‌های دو طرفه در حمل ظرف بکار روند. همچنین دستگیره زیر لوله، می‌تواند کنترل ریختن آب از ظرف را برای استفاده‌کننده آسان سازد. لوله ظرف از دو بخش تشکیل یافته است؛ قسمت لوله‌ای شکل آن عمودی و متصل به ظرف بوده و جریان آب را از داخل ظرف به بخش دوم لوله که حالت ناودانی و افقی دارد هدایت می‌کند. شانه‌های افتاده ظرف به بدنه‌ای منتهی می‌شود که بخش پهن ظرف را با قطر ۲۵/۸ سانتی‌متر تشکیل می‌دهد. قسمت پایین بدنه، به شکل مخروط معکوسی است که قسمت کم‌عرض آن به کفی با قطر ۱۳ سانتی‌متر منتهی می‌گردد.

با توجه به اینکه در مورد سفالینه‌های عصر آهن، بیشترین توجه بر روی نوع آبریزها است، لذا به معرفی خصوصیات سفالینه مورد بحث می‌پردازیم:

به طور کلی مدارکی که دال بر استمرار سنت سفالگری عصر آهن II در عصر آهن III است می‌توان تصور کرد که سنت سفالگری عصر آهن III در یک فرایند تدریجی در غرب ایران تکامل پیدا کرده است. (طلایی، ۱۳۷۴، صص ۱۳۶-۱۲۲)

### مشخصات شناسنامه‌ای شی

کوزه سفالین بزرگ با دهانه گشاد و دسته عمودی و یک لوله ناودانی به شکل سر حیوان شاخدار به عنوان آبریز که با خمیره‌ی آجری رنگ و شاموت پودر شن ساخته شده است. نقاشی با لعاب سفید و آبی بر روی لوله، دسته و همینطور به شکل خطوط عمودی و مورب، بر روی شانه به شکل گل کوب است که به رنگهای یک در میان، آبی و سفید کشیده شده است. در زیر نوک گلبرگ‌ها بر روی بدنه ظرف و در بین دو نوار افقی، شش بز کوهی در حال چرا قرار دارند. این حیوانات شاخدار به رنگ سفید بر روی زمینه‌ای با لعاب آبی‌رنگ به تصویر کشیده شده‌اند. داخل ظرف، فاقد لعاب است و لعاب آبی روی ظرف و کف بیرونی ظرف، حالتی پراکنده دارد. در روی گردن ظرف و بخشی از شانه ظرف به دلیل حرارت زیاد کوره، اثرات گداختگی لعاب به چشم می‌خورد. سطح ظرف متخلخل بوده و وضعیت فعلی شی وصالی و صدف گرفته می‌باشد. این شی در یکی از تالارهای موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران با شماره ثبتی (۹۱-س) به نمایش گذاشته شده است. (تصویر ۱)

### تجزیه و تحلیل فرم و شکل اثر

- توصیف فرم ظرف:

## ویژگی‌های فرم آبریز در عصر آهن

در عصر آهن I لوله‌ها چسبیده و پل‌دار هستند که نمونه‌های آن را در اشیاء مربوط به حسنلو طبقه VI و لوله‌های جدا از هم و دو لوله را در آثار بدست آمده از خورویین و گودین می‌توان مشاهده کرد. (طلایی، ۱۳۷۴: ۱۲۲) (تصویر ۲)

- ظروف سفالی مربوط به آهن II نیز از سیلک B، حدود قرن ۹ ق. م با آبریزهایی جدا و متصل بدست آمده است. (Ghirishman, 1938) (تصویر ۳) ; Vol :1, Tab LXIX/135

- عصر آهن III دارای آبریزهای پل‌دار و دو لوله‌ای است که نمونه آن از طبقه III حسنلو بدست آمده است. (Young, 1965: No: 3) (تصویر ۴)

## گونه‌های مطابقتی

- نوع لبه ظرف مورد بحث، شبیه نمونه‌های بدست آمده از زیویه (عصر آهن II) است. (طلایی، ۱۳۷۴: صص ۱۳۹-۱۲۳)

- با توجه به مطالعات صورت گرفته در شکل لوله‌ها، فرم آبریز ظرف مذکور شبیه انواع به دست آمده از آهن II و آهن III بویژه سیلک، حسنلو و زیویه می‌باشد. (طلایی، ۱۳۷۴: صص ۱۳۷-۱۲۳)

- کف ظرف مشابه دوره آهن I در تپه سیلک، گیان I، و دینخواه است. (طلایی، ۱۳۷۴: صص ۱۳۹-۱۲۳)

- تقارن دسته و لوله، همچنین استفاده از سر حیوان در بخش آبریز، شبیه نوع سیلک B می‌باشد. (توحیدی، ۱۳۷۸: صص ۱۰۲-۹۵) (تصویر ۵)

نقوش هندسی، گیاهی و هندسی که بر روی این اثر موجود است مشابهت زیادی به نمونه

سفال‌های بدست آمده از زیویه دارد. (معتمدی، ۱۳۷۴، صص ۱۵۸) (تصویر ۶)

- نمونه‌های دیگری از تکنیک مشابه، مربوط به هزاره اول و دوم پیش از میلاد با سبک آذربایجان در موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران موجود است که ترکیب رنگ و گلبرگ‌های آن شبیه ظرف مورد مطالعه می‌باشد. (تصویر ۷) همچنین یکی از نمونه‌های مشابه سفال لعابدار موجود در موزه آبگینه، از منطقه کول تپه بدست آمده است. (Rezvani & Rustaie, 2007: 179-18) (تصویر ۸)

با توجه به تطابق فرمی ظرف با مناطق مورد پژوهش واقع شده در عصر آهن و دوران قبل از آن، می‌توان سیر تطوری شی را در طی این اعصار به وضوح مشاهده کرد.

## تجزیه و تحلیل نقوش روی ظرف

- توصیف نقوش

آبریز ناودانی شکل در این ظرف، شبیه به منقار یا پوزه حیوانی شاخدار است. شاخ‌های حیوان به سمت عقب برگشته و بر روی لبه ظرف قرار گرفته اند. دو چشم قرینه، در زیر شاخ‌ها همراه با خطوط مورب سفید رنگ بر روی لوله، نقاشی شده است. (تصویر ۹)

بخش اتصال گردن به شانه، تعداد ۳۴ گلبرگ به رنگ سفید و آبی بصورت یک در میان تا پایین شانه امتداد یافته است. این سبک از طراحی گلبرگ‌ها، بر روی دیگر آثار سفالین هم دوره با این اثر قابل رویت است؛ که از آن جمله می‌توان، به اشیاء مربوط به آشور جدید و مانایی اشاره داشت.

در زیر گلبرگ‌های نوک تیزی که به خط افقی نواری شکلی منتهی می‌شود، تعداد شش حیوان شاخ

همچنین می‌توان ایده لوله‌های ناودانی عصر آهن را الهام گرفته از گونه‌های مختلف ابزارهای استخوانی دانست. نمونه‌هایی از این نوع استخوانها مربوط به دوره مس-سنگی از تل ابلیس و تپه جعفرآباد خوزستان بدست آمده است. (طلایی، ۱۳۹۰: ۱۹۹) (تصویر ۱۲)

- انواع ظروف لوله‌دار و دسته‌دار، در کنار نقش کارگران و نگهبانان بر روی مهر برجای مانده از شوش دیده می‌شود. (سجادی، ۱۳۸۴: ۲۰۶-۱۷۹) همچنین بر روی مهرهای مختلفی که از جنوب غرب ایران بدست آمده است تصاویر زیادی از انواع رب‌النوع آب یا خدایان سومری، فنیقی و بابلی نشان داده شده که در کنار آنها تصویری از خورشید، انار، بز کوهی و... نیز دیده می‌شوند. (بیانی، ۱۳۶۴: ۹۴-۹۰) سیر تطور در فرم و نقش روی اینگونه آثار، که از هزاره دوم پیش از میلاد، نمادهایی از الهه آب و خورشید را به همراه دارند (مانند سیلک و زیویه) قابل تحقیق و بررسی است.

- اهلی کردن حیوانات از دوران نوسنگی آغاز گردید؛ نقوش گله‌داری بر روی مهرهای استوانه‌ای و اثر مهرها برجای مانده است که در آنها نقوش حیوانات با ردیف منظم، در پی یکدیگر در حرکتند. همچنین نقش گله مقدس بر روی مهرهای مربوط به اواخر هزاره ی چهارم و هزاره ی سوم قبل از میلاد نشان داده شده است. بیشتر حیوانات شامل بز کوهی، گاو، قوچ، گوسفند و... در حال گردش، چریدن در صحرا و آرمیدن در چراگاهند. (بیانی، ۱۳۶۴: ۵۲) همچنین، نقش برجسته دیواری کاخ مرکزی تیگلات‌پلیسر سوم در نیمروود از مرمر سفید با ارتفاع ۱/۳۲ متر تصاویری از گله حیوانات اهلی (قوچ) را

دار با سرهای به زیر انداخته و فاقد دم به چشم می‌خورد. ریزه کاری در اجزا و آناتومی بدن تک تک حیوانات و سم‌های آنها، بطور مجزا و عضلانی نشان داده شده است.

حرکت این حیوانات از یک سمت ظرف به صورت یک حیوان بزرگ و یک حیوان کوچک است که پشت به هم، با حالت خرامان به دنبال هم در حرکت و چرا بوده و در زیر آبریز رو به روی هم قرار گرفته‌اند. (تصویر ۱۰)

### پیشینه نقوش و مشابهت‌ها

علاوه بر سفال، بر اساس سایر مستندات بر جای مانده که در زیر به مواردی از آنها اشاره می‌شود، می‌توان به پیشینه و ارتباط مفهومی بین نقوش و اشیا دست یافت.

- مهر استوانه‌ای مکشوفه از سیلک طبقه B (هزاره دوم قبل از میلاد) اشاره به مرد بر تخت نشسته‌ای دارد که با نی بلند از درون تنگ مدوری آب یا مایعی می‌نوشد. در زمینه اثر، مهر تصویر اسب، یک اژدها، یک شاهین و بز کوهی و پشت آن قرص خورشید قرار دارد که هر کدام از آنها با مفاهیمی تعبیر شده و از آن شخص به عنوان رب‌النوع آب یاد شده است. (بیانی، ۱۳۶۴: ۹۰) ش ۱۲۱) کاربرد و استفاده از نی در تصویر این مهر، می‌تواند بیانگر انگیزه و ایده اولیه‌ای باشد که پیش از آن، در ذهن سازندگان ظروف پرورنده شده است و بعدها در غالب لوله‌های استوانه‌ای توخالی، بصورت کوتاه شده، به تنگها و ظروف الحاق گردیده‌اند. (تصویر ۱۱)

## فصلنامه علمی تخصصی باستان شناسی ایران - واحد شوشتر

مکشوفه از زیویه، شبیه‌ترین اثر به شی مورد مطالعه در این بحث است. (رفیعی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۴) (تصویر- ۱۳) رنگهای سبز، زرد و نقوش دالبر و باند تزیین یافته بر روی این اثر، همچنین نقش بز شاخ‌دار و گل لوتوس منقوش، قابل مقایسه و استناد به شی مورد مطالعه است. (واندنبرگ، ۱۳۴۸، لوحه ۱۴۳)

مطالعه نقوش حک شده بر روی این قبیل آثار و مفاهیم در برگیرنده آنها، علاوه بر اینکه ما را با چگونگی تکنیک‌های ساخت و الهامات گرفته شده از آنها آشنا می‌سازد، تعبیرات آنها نیز می‌تواند رابطه‌ای بین کاربرد شی با باورهای متداول آن دوران ایجاد کند. مانند نقش مهرهایی که پیش از این به آنها اشاره شد؛ الهه‌های آب را درحالی که از محتویات داخل ظروف می‌آشامند یا الهه‌های خورشید که نشان داده شده‌اند، قابل تحقیق و تفحص است.

### نتیجه‌گیری

طبق مدارک و شواهد باستان‌شناسی، سنت استفاده از ظروف سفالین لوله‌دار در ایران طولانی‌تر و قدیمی‌تر از مناطق همجوار بوده است لذا می‌توان خاستگاه اصلی سنت استفاده از لوله در ظروف سفالین و همچنین تغییر و تطور آن از استوانه‌ای ساده به لوله خمیده (دو قسمتی) و تنوع تزیین آن را مربوط به ایران دانست.

بر اساس شواهد برجای مانده و طبق توصیف‌های بعمل آمده، به نظر می‌رسد نمادهایی از الهه و رب‌النوع آب در میان سومری‌ها، ایلامی‌ها و سایر ملل همواره مورد توجه بوده و تا دوران بعد ادامه داشته است؛ حجاری‌ها و گچبری‌ها و دیگر نقوش به یادگار مانده از زمان‌ها و مکان‌های مختلف ایران گواه این مطلب است. مانند الهه آناهیتا با ظرف

بصورت کاملاً طبیعی نشان می‌دهد. (مورتگات، ۱۳۷۷، نقش ۲۷۲)

تصویر حیوانات شاخدار متحدالشکل به شکل متوالی و در پی هم بر روی سفال‌های سیلک III، افق چشمه‌علی در قره‌تپه شهریار و افق سفالی شوش جدید در تپه موسیان دهلران قابل مشاهده است؛ ولی هیچ‌کدام از آنها در حال چرا نیستند. (طلایی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۱، ۳۵۴، ۳۰۴)

- بزکوهی نماد فراوانی محصول، جزو اولین حیوانات اهلی شده است که تصاویر آن، با شاخ‌هایی در ابعاد و فرم‌های مختلف، به عنوان عامل تزیینی روی آثار استفاده شده است. شاخ به عنوان نمادهای برتری و قدرت دنیای زیرین و آسمانی بر روی کلاه ایزدان، فرمانروایان و پادشاهان یا بر قسمت‌هایی از ساختمان‌های مسکونی فلات ایران زینت یافته است. (بیانی، ۱۳۶۴، صص ۷-۲۲)

در تصویر دیگری از جنس صدف، ورق سنگی و مس با ارتفاع ۲۲ سانتی‌متر از موزه بغداد، حرکت انفرادی حیوان شاخداری اشاره شده که با وجود شباهت ظاهری، آناتومی بدن حیوان کاملاً مغایر با شکل حیوان مورد مطالعه در این مقاله می‌باشد و جهت شاخ‌ها نیز برعکس می‌باشد. (مورتگات، ۱۳۷۷: ۲۷۲-۱۲۳) نقوش زیادی با این سبک در میان هنر بین‌النهرین دیده می‌شود اما آنچه روشن است تفاوت‌هایی است که در شکل اجزاء یا گونه حیوانات و در مواردی جهت شاخ‌ها است.

- سبک شاخ حیوان در بخش آبریز ظرف، شبیه به شاخ حیوانات در اثر مهرهای مکشوفه از شوش است. (سجادی، ۱۳۸۴، صص ۱۷۹-۱۵۳)

- از میان گونه‌های مورد مطالعه قرار گرفته، قطعات سفال مکشوفه و ظرف سفالین لعابدار



- ۵- دایسون، رابرت؛ ۱۳۸۷، کاوش در حسنلو، تهران، گنجینه هنر
- ۶- رفیعی، لیلا، ۱۳۷۷، *سفال ایران از پیش از تاریخ تا عصر حاضر؛ انتشارات یساولی، چاپ اول؛ تهران*
- ۷- سجادی، منصور؛ ۱۳۸۴، *نخستین شهرهای فلات ایران، تهران، انتشارات سمت*
- ۸- طلایی، حسن؛ ۱۳۷۴، *باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، تهران، انتشارات سمت*
- ۹- طلایی، حسن؛ ۱۳۹۱، *هشت هزار سال باستان‌شناسی ایران، تهران، انتشارات سمت*
- ۱۰- طلایی، حسن؛ ۱۳۹۰، *ایران پیش از تاریخ: عصر مس سنگی، تهران، انتشارات سمت*
- ۱۱- طلایی، حسن؛ ۱۳۸۵، *عصر مفرغ ایران، تهران، انتشارات سمت*
- ۱۲- طلایی، حسن؛ ۱۳۷۴، «پیشینه ظروف سفالین لوله‌دار و مهاجرت آریاییها»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال نهم، پاییز و زمستان، ص ۹-۱۵*
- ۱۳- گیرشمن، رومن؛ ۱۳۷۴، *ایران از آغاز تا اسلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی*
- ۱۴- مجید زاده، یوسف؛ ۱۳۷۰، *تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول*
- ۱۵- مدودسکایا، یانا؛ ۱۳۸۴، *ایران در عصر آهن، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی*
- ۱۶- ملک‌زاده بیانی، ملکه؛ ۱۳۶۴، *تاریخ مهر در ایران، انتشارات یزدان*
- ۱۷- معتمدی، نصرت ا...، ۱۳۷۴، *زیویه، قلعه‌ای مادی- مانایی؛ مجموعه مقالات کنگره تاریخ*

آبی به همراه خود در گنجبری‌های دوره ساسانی شمال شرق ایران (منطقه در گز) بدست آمده است. لذا با توجه به موارد ذکر شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این سبک از ظروف آبریزدار، احتمالاً در ارتباط با الهه آناهیتا است؛ بزکوهی منقوش بر روی آن، نشان از حمایت خدایان از کشاورزی و فراوانی محصول و گل لوتوس روی اثر نمادی از خورشید است.

از آنجا که اطلاعات پیرامون این اثر در مدارک و شناسنامه‌های موجود در موزه آبگینه ناقص بود لذا به درستی در جایی ثبت نگردیده است که این اثر از لایه بدست آمده است یا از گور. ولی سایر نمونه‌های یافته شده از این نوع ظروف، مربوط به قبور بوده که آیینی بودن آنها همواره در حاله‌ای از ابهام قرار داشته است. با جمع‌بندی در ترکیب این نقوش و فرم ظرف مذکور، می‌توان در عقیده و مذهب مردمان آن دوران بیشتر تأمل کرد تا شاید ریشه و ردپای باورهای میتراپی و آناهیتایی را بر روی آنها پیدا کرد.

### منابع و مأخذ

- ۱- اقتداری، احمد؛ ۱۳۵۴، *دیارشهریاران (جلد یک بخش دوم)*، سلسله انتشارات انجمن آثار ملل
- ۲- پرادا، ادیت؛ ۱۳۸۴، *هنر ایران باستان، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران*
- ۳- پیاتروفسکی، باریس بارویچ؛ *تمدن اورارتو، ترجمه حمیدخطیب شهیدی، ۱۳۸۳، تهران سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان‌شناسی*
- ۴- توحیدی، فائق؛ ۱۳۷۹، *فن و هنر سفالگری، تهران، انتشارات سمت*



## فصلنامه علمی تخصصی باستان شناسی ایران - واحد شوشتر

معماری و شهرسازی ایران؛ انتشارات سازمان میراث  
فرهنگی کشور

۱۸- مورتگات، انتون؛ ۱۳۷۷؛ هنر بین‌النهرین  
باستان، ترجمه زهرا بایستی، محمدرحیم صراف،  
تهران، انتشارات سمت

۱۹- واندنبرگ، لوئی؛ ۱۳۴۵، باستان‌شناسی ایران  
باستان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

20-Charleston, Robert J. 1977, *World  
Ceramics An illustrated history*, Published by  
chart well Book sine, p: 18

21- Ghirshman, R., 1939. *Fouilles de  
Sialk près de kashan*, Paris, vol.2, p 324

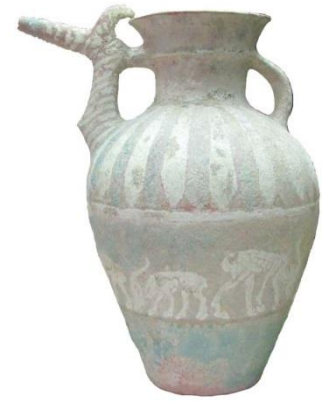
22- Ghirshman, R., 1939. *Fouilles de  
Sialk près de kashan 1933, 1934*, Paris, 1938,  
vol (1), Tab LXIX / 135

23-Kawami, Trudy, S, 1944, *Ancient  
Iranian Ceramics from the Arthur M. Sackler  
Collections*, P221, No 137

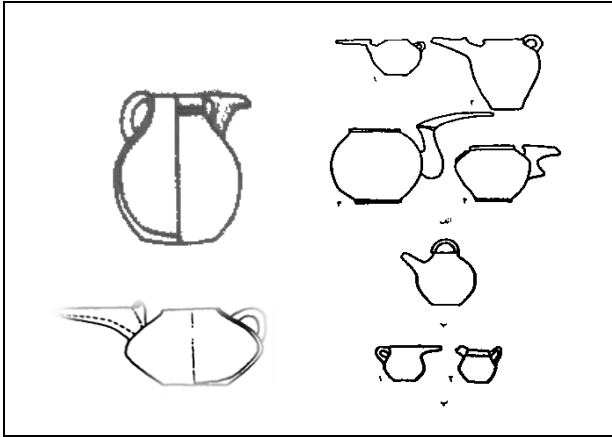
24- Rezvani, M. and K. Roustae; 2007;  
“A Preliminary Report on Two Season of  
kul-Tarique Cemetery, Excavation at  
vol XLII, *Kurdistan, Iran*“; *Iranica Antiqua*,  
p139-184

25- Young, T.C. Jr.; 1965, «A  
*comparative ceramic chronology for Western  
Iran500-1500 B.C.*, Iran; No.3

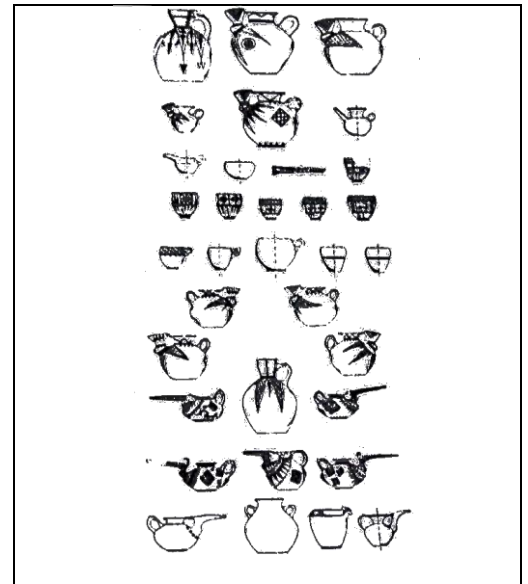
26- Kodansha Ltd; 1978, *Oriental  
Ceramics the world's great Collections*,  
Tokyo, vol. 4, pl.25.



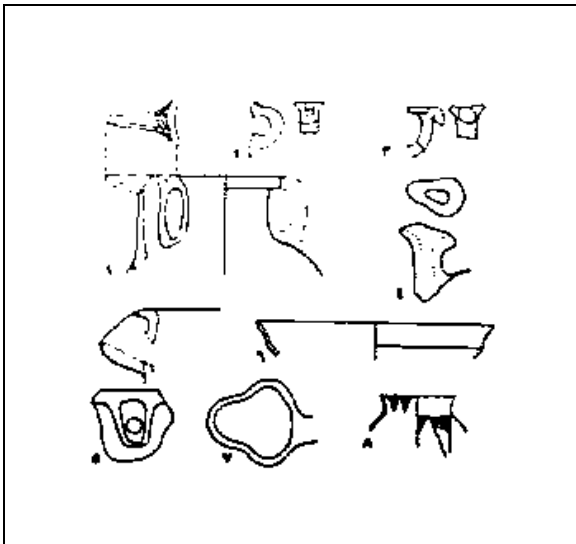
تصویر ۱- سفال لعابدان و لوله دار مکشوفه از قره داغ اردبیل (موزه آبگینه، ۹۱-س)؛



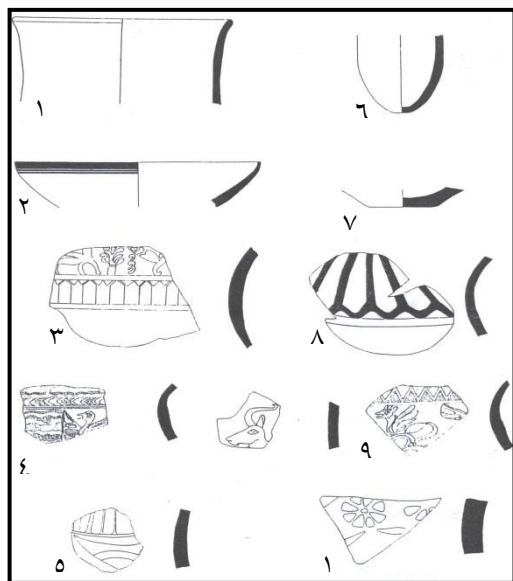
تصویر ۲- گونه‌های مختلف ظروف سفالین لوله دار عصر آهن I ایران (طلایی، ۱۳۷۴، ص ۱۰)



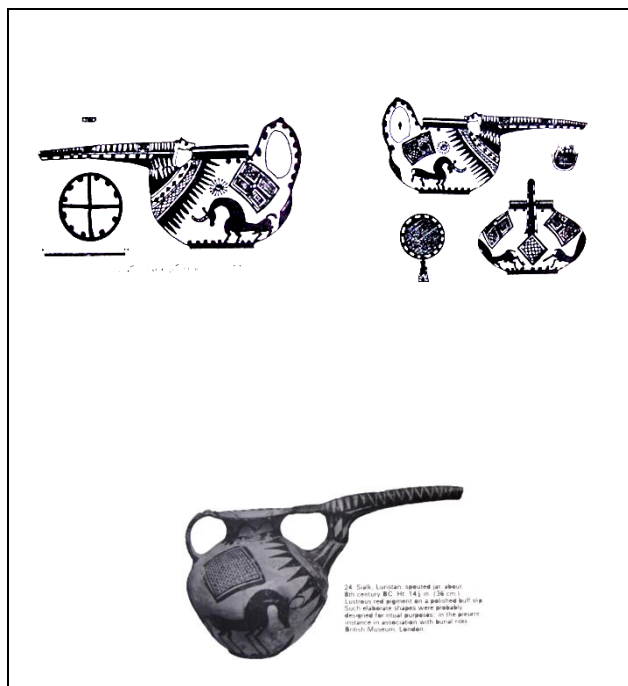
تصویر ۳- ظروف سفالی سیلک B حدود قرن ۹ ق. م (Grishman, 1938)



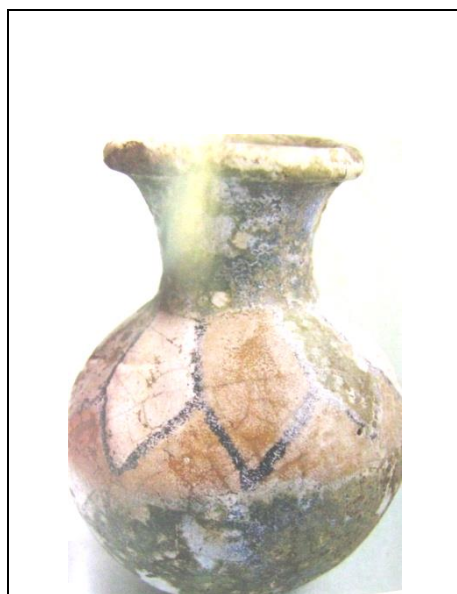
تصویر ۴- ظروف سفالی حسنلو طبقه III، عصر آهن III (Young, 1965)



تصویر ۶- نقوش هندسی، گیاهی و حیوانی سفالهای لعابدار  
زیویه (معمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۸)



تصویر ۵- نمونه سفالهای سبک سیلک B  
(گیرشمن، ۱۳۷۴، ص ۷۶)



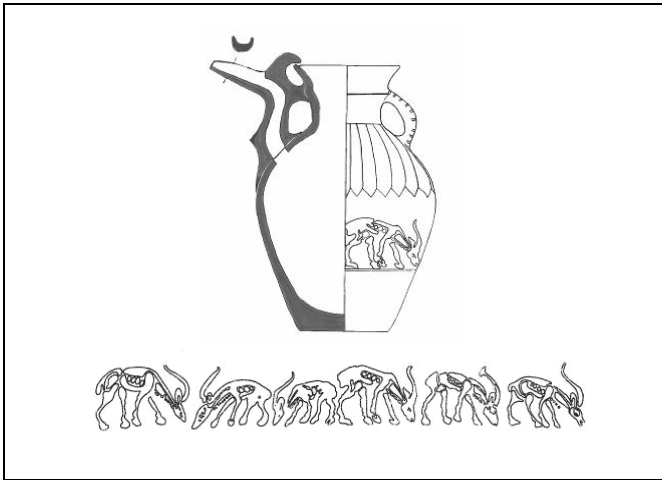
تصویر ۸- سفال لعابدار کول تاریکه

( Rezvani & Rustaie ,2007:179-184 )



تصویر ۷- نمونه سفالهای لعابدار با تصاویر هندسی )

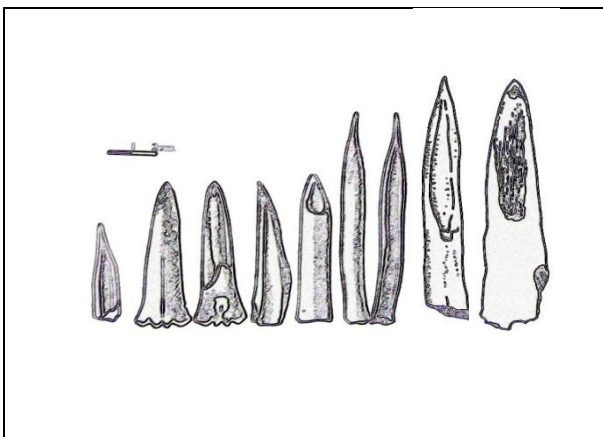
موزه آبیگینه ۲۹۹-س، ۳۰۲-س، ۳۰۳-س)



تصویر ۱۰ - ترسیم فنی ظرف سفالین لوله دار  
(خلیل زاده، ۱۳۹۱)



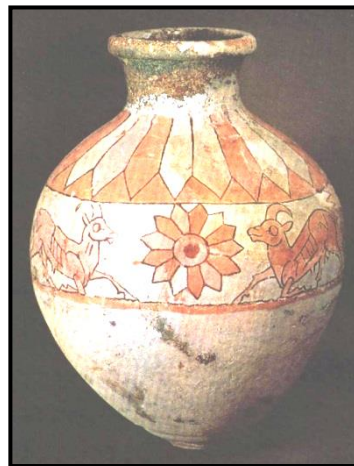
تصویر ۹- فرم آبریز به شکل سر گردن حیوان (آبگینه، ۹۱- س)



تصویر ۱۲ ابزارهای استخوانی دوره مس سنگی (طلایی، ۱۳۹۰، ۱۹۹)



تصویر ۱۱- مهر استوانه ای سیلک B (بیانی، ۸۹: ۱۳۶۴)



تصویر ۱۳- سفال لعابدار زیویه با تصاویر هندسی، حیوانی و گیاهی  
(رفیعی، ۱۳۷۷: ۲۰۴)